



Middle East Studies Quarterly

Vol 29, No 2, Summer 2022

Received date: 2022.05.11

Acceptance date: 2022.05.29



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.15601986.1401.29.2.8.6

Islamic Republic of Iran's Strategy to Eliminate ISIS from Iraq and Syria

Hamid Dorj¹



Abstract

Today, ISIS is one of the most dangerous manifestations of Takfiri terrorism in West Asia. This terrorist group expanded rapidly after the withdrawal of the US forces from Iraq and was able to form an Islamic State in Iraq and Syria. Meanwhile, the Islamic Republic of Iran was one of the states, which was directly opposed to ISIS. With the emergence of this terrorist group, Iran, as a strategic actor of resistance, faced challenges in various discursive, security, and political spheres. Considering this issue and using the theoretical framework of defensive realism, this article seeks to answer the following main question: What policy has the Islamic Republic of Iran adopted to eliminate ISIS from Iraq and Syria? The article hypothesizes that since ISIS was considered as a direct and serious threat to Iran's national security and territorial integrity, in order to eliminate the challenges and threats ahead, the Islamic Republic of Iran pursued a policy of striking and destroying ISIS in Syria and Iraq in strategic cooperation with the actors of the resistance, as well as with the effective help of Russia. It managed to defeat the terrorist group in the area. To analyze the data, qualitative analysis method has been used.

Keywords: ISIS, Iran, Iraq, Syria, Defensive Realism

¹ - Ph.D. Student of International Relations at Guilan University, Guilan, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۲۹، شماره ۲، پیاپی (۱۰۸)، تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۲۸.۶

سیاست استراتژیک جمهوری اسلامی ایران برای شکست داعش در سوریه و عراق

حمید درج^۱



چکیده

داعش هنوز هم یکی از خطرناک‌ترین نمودهای تروریسم تکفیری در غرب آسیا به شمار می‌آید. این گروه تروریستی پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، به سرعت گسترش یافت و توانست در عراق و سوریه دولت اسلامی تشکیل دهد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی بود که به‌طور مستقیم با داعش در تقابل قرار گرفت. از آنجایی که با ظهور این گروه تروریستی، ایران به عنوان بازیگر استراتژیک محور مقاومت، با چالش‌هایی در عرصه‌های مختلف گفتمانی، امنیتی و سیاسی روبه‌رو گشت، لذا تهران با اتخاذ تدابیر استراتژیک سیاسی و نظامی، به نابودی داعش در منطقه مبادرت ورزید و از این طریق زمینه فروپاشی محور مقاومت در غرب آسیا را سلب کرد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن این موضوع و با بهره‌گیری از چارچوب نظری رئالیسم تدافعی، در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که جمهوری اسلامی ایران برای نابودی داعش از صحنه عراق و سوریه دست به چه سیاستی زده است؟ فرضیه مقاله بیانگر این است که از آنجایی که داعش تهدیدی مستقیم و جدی علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران قلمداد گشت؛ لذا، جمهوری اسلامی ایران برای بر طرف ساختن چالش‌ها و تهدیدات پیش‌رو با همکاری استراتژیک با بازیگران محور مقاومت و نیز با کمک مؤثر روسیه دست به سیاست ضربه زدن و نابودی داعش در سوریه و عراق زد و سیاست‌ها و اهداف این گروه تروریستی را در منطقه با شکست مواجه کرد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: رئالیسم تدافعی، داعش، ایران، عراق، سوریه.

مقدمه

گسترش نفوذ داعش باعث حضور مستشاری و حتی نظامی ایران در برخی کشورهای منطقه از جمله عراق در منطقه خلیج فارس و سوریه در شامات شود. به طوری که جمهوری اسلامی ایران با تقویت حمایت‌های خود از محور مقاومت، در صدد است تا جلوی نفوذ و قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی-تکفیری در منطقه را بگیرد. با این استدلال که قدرت گرفتن این گروه‌ها مخصوصاً در سوریه و عراق به راحتی می‌تواند باعث تضعیف شیعیان و برهم خوردن موازنه قدرت به نفع عربستان سعودی و هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور گردد. به همین دلیل، متغیر داعش باعث شده تا ایران نقش پررنگ‌تری در معادلات عراق و سوریه ایفا کند تا مبادا گروهی تکفیری و با گرایش به سمت اندیشه‌های عربستانی‌ها بر این کشورها حاکم شود. ظهور داعش که مستظهر به حمایت بعضی از کشورهای منطقه، بخشی از غرب و صهیونیسم بین‌الملل است؛ ضمن ایجاد ویرانی‌ها و زیان‌های اقتصادی و اجتماعی برای عراق و سوریه، تهدیدهای متعددی را برای ایران در حوزه‌های امنیتی، گفتمانی و ایدئولوژیک به وجود آورده است. ظهور و حضور داعش در وهه اول، امنیت ملی جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند؛ چرا که از اساس، خلق داعش، تلاشی برای جایگزینی گفتمان اسلام رحمانی غیر خشونت‌ورز با گفتمان اسلام خشونت‌ورز با اهداف خاص خود بوده است. از این رو، هژمونیک شدن گفتمان داعش، نوعی تهدید وجودی برای گفتمان جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر هژمونیک شدن داعش در همسایگی ایران نه تنها گفتمان جمهوری اسلامی را از لحاظ گفتمانی تهدید خواهد کرد بلکه از لحاظ نظامی نیز امنیت ملی ایران را به مخاطره خواهد انداخت. در این راستا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر ظهور داعش در عراق و سوریه، ناچار به اعمال راهکارهای نظامی و دیپلماتیک برای مقابله با آن شد و در کنار دولت‌های عراق و روسیه و هم‌پیمانان منطقه‌ای خود، اهداف و سیاست‌های این گروه تروریستی-تکفیری را در غرب آسیا با شکست همراه کرد. در این پژوهش سعی بر آن است که به این سؤال پاسخ داده شود که جمهوری اسلامی ایران برای شکست داعش در عراق و سوریه دست به چه سیاستی زده است؟ پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه رئالیسم تدافعی و بر اساس روش تحلیل کیفی انجام گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (اسناد، کتب، مجلات و وب‌سایت‌ها) و جست‌وجو در فصلنامه‌ها و مجلات تخصصی صورت می‌پذیرد.

ادبیات و پیشینه بحث

در زمینه چگونگی حضور و عملکرد گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال این گروه تروریستی پژوهش‌ها و تحقیقات بی‌شماری به زبان فارسی و انگلیسی صورت گرفته که در اینجا به مهم‌ترین آنها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

۱- سلمان احمدوند و ایمان احمدوند (۱۳۹۴)؛ در پژوهشی تحت عنوان «بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) با مطالعه موردی: داعش» پس از ارائه تعاریف و مفاهیم تروریسم تکفیری، عواملی همچون شکاف فرقه‌ای-عقیدتی حاکم بر عراق، اوضاع نابسامان داخلی سوریه و تلاش برخی کشورهای منطقه و آمریکا را عامل برهم‌زدن معادلات قدرت و احیای خلافت اسلامی و ظهور گروه تروریستی داعش می‌داند. نویسندگان پژوهش در ادامه، تروریسم سلفی-تکفیری را بر اساس رهیافت‌های طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

۲- اسماعیل زاده و احمدی‌فشارکی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای به نام «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، با تکیه بر نظریه مکتب کپنهاگ سعی در معرفی تلاش نظریه‌پردازان این تئوری در جهت «گسترش» و «تعمیق» تعریف امنیت دارند و بر این مبنا به جای «امنیت دولت‌ها» باید «امنیت جهانی» را در نظر گرفت، چرا که «امنیت» جهان شامل امنیت اکولوژیک،

محیطی و اقتصادی است و تنها امنیت نظامی نیست. نویسندگان قدرت گرفتن داعش را نتیجه خواست قدرت‌های منطقه‌ای مانند اسرائیل، عربستان قطر و ترکیه و قدرت‌های بین‌المللی مانند آمریکا برای تهدید امنیت ایران دانسته‌اند.

۳- کامران طارمی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق»، ریشه‌های شکل‌گیری گروه داعش را بررسی می‌کند و آن را مربوط به شاخه‌ای از القاعده در عراق می‌داند که در سال ۲۰۱۰ منحل شد. طارمی در ادامه این سؤال را مطرح می‌کند که داعش چگونه توانسته است ظرف مدتی نسبتاً اندک، خود را بازسازی و به چنین توفیقات چشمگیری دست یابد؟ وی استدلال می‌کند که خیزش عربی در منطقه و بروز ناآرامی در سوریه، زمینه مساعدی برای بازیابی این گروه تروریستی مهیا کرد. کمک‌های مالی دولت‌های منطقه نیز مزید بر علت گردید. از دیگر فاکتورهای مؤثر، قابلیت تبلیغاتی این گروه تروریستی است. همچنین مدیریت مؤثر بر منابع مالی شامل: چاه‌های نفت، فروش عتیقه‌جات، مالیات بر کامیون‌های عبوری و فعالیت‌های اقتصادی باعث پایداری این گروه گردیده است.

۴- مارکوس بویلون (۲۰۱۰)، در مقاله «اقدام دولت‌سازی عراق: شکندگی دولت، شکست‌خوردگی دولت و یک قرارداد اجتماعی جدید»، استدلال می‌کند که درک وسعت شکندگی دولت در عراق نیازمند نگاهی تاریخی به دولت‌سازی این کشور است. این عمق و گستره باید از دوران ایجاد عراق مدرن توسط بریتانیا تا اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا، پیگیری شود. وی بر آن است که عراق به لحاظ تاریخی دولتی شکننده است. پاسخ و راهکار برای برون‌رفت از این شکندگی، در دولت‌سازی است. البته این دولت‌سازی نه یک بازسازی سیاسی صرف از بالا که تلاشی از پایین است. این مسیر طولانی دولت‌سازی باید توسط خود عراقی‌ها طی شود و در نهایت نیز استدلال نویسنده بر این اساس قرار دارد که نیروهای بیرونی و قدرت‌های بیرونی تنها می‌توانند حامی، مشوق و ترغیب‌کننده گفت‌وگو و پیش بردن مسیر دولت‌سازی باشند، ولی رهبری تمام امور باید در دستان عراقی‌ها باشد. اما توجه ندارد که دولت‌سازی به یک فرآیند همزمان ملت‌سازی نیز نیاز دارد و اگر این دو فرآیند در کنار هم اتفاق نیافتد، نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشند (Bouillon, 2012).

۵- آنتونی کوردسمن (۲۰۱۷)، در کتابی با عنوان «پس از داعش: ایجاد ثبات استراتژیکی در عراق»، این مسئله را مطرح می‌کند که پس از ظهور داعش و سقوط آن، مهم‌ترین مسئله در عراق، ثبات سیاسی این کشور است و در نهایت به این نتیجه‌گیری می‌رسد که مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق نمی‌تواند علت اصلی فقدان ثبات سیاسی این کشور تلقی شود؛ بلکه مسئله اصلی شکاف‌های عمیق قومیتی و ایدئولوژیکی عراق مانع تحقق ثبات استراتژیکی در این کشور در پساداعش خواهد بود. نوآوری پژوهش حاضر در این است که اگرچه تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در خصوص سیاست ایران در شکست داعش در عراق و سوریه شکل گرفته است، اما این پژوهش سعی داشته است ضمن تحلیل سیاست راهبردی ایران در نابودی این گروه تروریستی در غرب آسیا، با اتخاذ رویکردی عام‌تر به بحث در زمینه تأثیرات ناشی از حضور و فعالیت داعش در این کشورها بپردازد.

تمهیدات نظری و مفهومی پژوهش: رئالیسم تدافعی

در رئالیسم تدافعی، «دغدغه امنیت» اساسی‌ترین مسئله است. به عبارت دیگر، نگاه رئالیست‌های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رئالیسم تهاجمی، مطالعات روابط بین‌الملل را به سمت امنیتی‌شدن سوق داده و در واقع این دو رویکرد در صدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیک بین‌المللی برآمدند. سؤال اصلی برای این گروه از رئالیست‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصولاً دولت‌ها چه زمانی بایستی به بیشینه‌سازی قدرت روی آورند؟ پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده است، این دو نحله رئالیستی را از هم متمایز ساخته‌اند (Krishner, 2010: 4). بر خلاف رئالیسم تهاجمی، فرض رئالیسم تدافعی این است که آنارشیک بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است،

یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌هایی که این را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود، واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر، دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد (جهان‌بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۵). رابرت جرویس^۱ یکی از نظریه‌پردازان اصلی رئالیسم تدافعی می‌گوید: «دولت‌ها بدون کاهش امنیت دیگران، می‌توانند خود را حفظ کنند و حتی در پیش‌گرفتن سیاست تدافعی، بر اتخاذ سیاست تهاجمی آنان ترجیح یابد؛ حتی افزایش اساسی در امنیت دولت‌ها فقط مقدار ناچیزی از امنیت سایر دولت‌ها را کاهش داده و در این شرایط، همه قدرت‌های خواهان «حفظ وضع موجود» می‌توانند از درجه بالای امنیت برخوردار گردند. بنابراین، دولت‌ها با رضایت از فرصت‌های فراهم شده، از توسعه نفوذ خود در خارج از مرزهای ملی در قبال دستیابی به ضمانت‌هایی برای امنیت خویش چشم می‌پوشند (Jervis, 1978: 178).

در این چارچوب باید گفت رشد گروه‌های تروریستی در سال‌های اخیر در خاورمیانه نشان‌دهنده فصل جدیدی از مسائل امنیتی در منطقه است. در این میان، ظهور گروه سلفی-تکفیری داعش در عراق و سوریه که خود برآمده از ترکیبی از ساختارشکننده این کشورها، شکاف‌های قومی-مذهبی و نیز مداخله کشورهای خارجی در صحنه سیاست این دو کشور از سوی دیگر است؛ تهدیداتی امنیتی و سرزمینی برای بازیگران محور مقاومت منطقه و در رأس آن جمهوری اسلامی قلمداد گشت. در این راستا تهران برای جلوگیری از توسعه بحران ناشی از پیدایش این گروه تروریستی در منطقه، اقدامات و راهکارهای نظامی و سیاسی را در پیش گرفت و از این طریق ضمن جلوگیری از فروپاشی حلقه‌های محور مقاومت در منطقه، از سرریز شدن ناامنی و بحران به درون قلمروی سرزمینی خود ممانعت ورزید. شکل‌دهی الحشدالشعبی در عراق، ایجاد بسیج مردمی در سوریه، تشکیل گروه‌های جدیدی همچون فاطمیون و زینبیون، فراخوانی نیروهای ماهر و همچنین سازماندهی حزب‌الله لبنان تحت فرماندهی واحد سپاه قدس را می‌توان از اقدامات جمهوری اسلامی در راستای نابودی داعش در غرب آسیا دانست.

زمینه‌های پیدایش داعش در صحنه عراق

ساختار اجتماعی عراق، نمایانگر موزاییک رنگارنگ و متنوعی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌هایی است که به اقتضاء موقعیت و جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، هیچ‌کدام نمی‌توانند بدون اعمال سطحی از خشونت، سلطه‌ای بلامنازع بر دیگر گروه‌ها و اقوام داشته باشند. کردها، اعراب سنی و شیعیان از مهم‌ترین بازیگران بومی سیاست در عراق هستند که مطالبات و منافع بعضاً متفاوت و حتی متضادی دارند و مدیریت و تجمع مسالمت‌آمیز منافع آنان، بسیار دشوار و نیازمند فرهنگی کثرت‌گرا و متساهل است. این ویژگی در عراق، بارزتر از دیگر جوامع چندقومی است زیرا عراق کشوری ساختگی یا جعلی است که از دل عثمانی شکست‌خورده در جنگ جهانی دوم و با ساختار ظاهری دولت-ملت پدید آمده و پروژه ملت‌سازی در آن کامیاب نبوده است (مبینی‌کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۵). اگرچه ریشه‌های فکری داعش به وهابیت و تعارضات آن با شیعه باز می‌گردد اما بستر سیاسی که داعش از آن برخاسته است حاصل حمله آمریکا به عراق بوده است. حمله واشنگتن به عراق که موجب سقوط صدام شد به همراه بحران‌های داخلی نظیر بحران مشروعیت، ضعف نظامی را می‌توان دلیل اصلی ایجاد نوعی مقاومت سنی در عراق در نظر گرفت. در این چارچوب، گروه‌های جهادی که عمدتاً با هدف نبرد

1 - Robert Jervis

با آمریکا در این کشور شکل گرفتند؛ در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی، به رهبری ابومصعب الزرقاوی، سازمان القاعده در عراق را بنیان نهادند. این گروه در سال ۲۰۰۶ میلادی، عنوان خود را به دولت اسلامی عراق تغییر داد (نوبیدی‌نیا و گودرزی، ۱۳۹۹: ۶).

عراق کشور اشغال‌شده‌ای بود که ارتشی برای برقراری امنیت در اختیار نداشت و مهم‌تر از آن روند انتقال قدرت در این کشور به کندی پیش می‌رفت و با دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی امکان اجماع در مورد ساخت دولت وجود نداشت و نبود امنیت در یک کشور جنگ‌زده توجیهی برای حضور نیروهای خارجی در یک کشور را فراهم می‌کرد (Cloud, 26: 2007). در ارتش عراق، افسران به واحد خود همچون ابزاری تجاری با عواید قابل اعتماد می‌نگرند تا نهادی برای مبارزه علیه تهدیدات امنیتی. ژنرالی در ارتش عراق می‌گوید: «شما مقام فرماندهی را به دست نمی‌آورید، شما آن را می‌خرید». ساختار اداری نیروهای ارتش عراق نیز این مشکل را تشدید می‌کند. برای مثال، افسران عالی‌رتبه متهم به خرید غذا برای سربازانشان و کسر آن از حقوق خود هستند. در عمل، جیب افسران پر از این پول‌ها است و عوایدی برای زیردستانشان. سربازان در موصول غذا و آب خود را از فروشگاه‌های غیرنظامی خریداری کرده و برای خودشان غذا می‌پزند، وظیفه دیگر، ساعات کار طولانی نامطلوب است. در عمل، فروش سوخت در فروشگاه‌های غیرنظامی و حیف و میل کردن پول برای غذا، آمادگی و اراده آنها به مبارزه را کاهش داده است. فساد فراتر از مواد غذایی است، به گفته افسری: «فساد، کرامت و اعتماد به نفس را گرفته است». اگرچه برخی اشکال فساد به حال بیشتر سربازان زیان‌بار بوده، اما برخی نیز به شکلی فسادگونه ترتیبات مزیت‌بخش متقابلی را شکل داده‌اند. افسران عالی‌رتبه، غیبت سربازان خود را در فهرست پرداخت‌ها آورده و به آنها پیشنهاد فرصتی را برای عدم گزارش آن به مقامات بالاتر با مبادله بخشی از حقوق خود می‌دهند (حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳).

افزایش قدرت شیعیان موجب افزایش رادیکالیسم سنی و عملیات انتحاری سنی‌های تندرو در عراق شد. پس از شورش‌های فلولجه عراق در سال ۲۰۰۴، الزرقاوی، فرد شماره دو القاعده، در پیامی صوتی ضمن توهین به شیعیان آنان را جاسوس و دشمن معرفی کرد. در سال ۲۰۱۱، نوری‌المالکی، نخست‌وزیر عراق، به تدریج مخالفان سنی خود را تهدید کرد و سیاستمداران سنی را تحت فشار قرار داد. از جمله صالح‌المطلق^۱، معاون نخست‌وزیر و طارق‌الهاشمی^۲، معاون رئیس‌جمهور را برکنار کرد. این اقدام‌های مالکی و افزایش تهدیدها علیه اهل سنت عراق سبب شد تا آنها به حمایت از گروه تروریستی داعش بپردازند. با پیروزی مالکی در انتخابات سال ۲۰۱۴، این حمایت‌ها افزایش یافت. داعش توسط آمریکا ایجاد شد؛ مسئله‌ای که مقامات اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و حتی خود اعضای داعش به آن اذعان دارند؛ از جمله پیمانکار سابق سیا، استون کلی^۳ در مصاحبه‌ای با پرس‌تی‌وی در جولای ۲۰۱۴، گفت: «این دشمن به‌طور کامل توسط ایالات متحده ساخته شده است. بودجه آن کاملاً توسط واشنگتن و متحدانش تأمین می‌شود. ما آن را ایجاد کردیم و کنترلش می‌کنیم». همچنین ادوارد اسنودن^۴، کارمند سابق آژانس اطلاعات ملی آمریکا، گفت: «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی برای ایجاد دولت اسلامی عراق و سوریه با هم کار می‌کنند. آنها به این نتیجه رسیدند که تنها راه‌حل برای حفاظت از دولت یهودی، ایجاد یک دشمن در نزدیک مرزهایش است. بنابراین بر اساس استراتژی «لانه زنبور سرخ» یک سازمان تروریستی که قادر به جذب تمام افراط‌گرایان جهان در یک مکان باشد، ایجاد کردند (بصیری و سالدورگر، ۱۳۶۹: ۵۶۴-۵۵۷).

1 - Saleh Al-Motlagh
2 - Tariq Al- Hashimi
3 - Steven Kelly
4 - Edward Snowden

از سویی، دلیلی بیست^۱، رسانه‌ای رسماً متعلق به نیوزویک، در مقاله‌ای با عنوان «متحدان آمریکا در حال تأمین مالی داعش هستند» نوشت: «داعش هم‌اکنون در حال تهدید بغداد است و این دولت، یعنی داعش چهار سال پیش توسط خیران مرفه کویت، قطر و عربستان سعودی که هر سه متحدان آمریکا هستند؛ تشکیل شد. این سه متحد آمریکا دستورالعمل‌های دوگانه‌ای در جنگ علیه ترور دارند. گروه افراط‌گرایی که هم‌اکنون تهدیدی برای بقای دولت عراق است، سال‌ها پیش با کمک خیران متحد آمریکا در منطقه خلیج فارس پرورش یافت. عنصر کلیدی حامی داعش افراد ثروتمند کشورهای عربی خلیج فارس از جمله قطر، کویت و عربستان سعودی هستند و گاهی اوقات این حمایت با تأیید ضمنی رژیم‌های این کشورها انجام می‌شود» (التیامی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۹). به این ترتیب می‌توان گفت ساختار شکننده دولت-ملت در عراق و شکل‌گیری موزائیکی از اقوام و گروه‌ها در صحنه جغرافیایی این کشور و از سویی حمایت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از داعش، نقش به‌سزایی در قدرت‌گیری این گروه تروریستی در صحنه سیاست عراق داشته است که این امر ضمن تهدید تمامیت ارضی عراق، تأثیر بسیار بالایی بر منافع به خصوص منافع امنیتی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد گذاشت.

ریشه‌ها و بسترهای سر بر آوردن داعش در سوریه

سوریه کشوری متشکل از گروه‌های نژادی و قومیت‌های گوناگون است. جامعه سوریه با بیش از چهل مؤلفه قومی، دینی و مذهبی تشکیل شده است و این خرده‌فرهنگ‌ها همواره نقش سازنده در تقویت فرهنگ این کشور داشته است. این تنوع فرهنگی، دینی و اجتماعی در روند شکل‌گیری تحولات اخیر این کشور به نحوی اثرگذار بوده است (سمیعی‌اصفهانی و شریف‌یلمه، ۱۳۹۵: ۱۷۴). با آغاز جنگ در سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱ و تغییر ماهیت اعتراضات از سیاسی و مدنی به تروریستی و فرقه‌ای تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای و عملیات روانی، ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده جهان، با صدور بیانیه‌ای القاعده را به جهاد در شام فراخواند و ابومحمد الجولانی از سوی القاعده عراق، مأمور تشکیل القاعده سوریه به نام جبهه النصره شد. پس از مدت کوتاهی نیروهای جهادی از کشورهای مختلف جهان با گرایش‌های سلفی-تکفیری برای ملحق شدن به جبهه النصره به منظور جهاد با علوی‌ها به سوریه رهسپار شدند. این استقبال گسترده از سوی مجاهدین در کشورهای گوناگون، نگرانی ابوبکر بغدادی را موجب شد. او بی‌درنگ به جولانی دستور داد تا تبعیت جبهه النصره به دولت اسلامی عراق را اعلام کند. اما جولانی چنین چیزی را نپذیرفت و در پاسخ به بغدادی گفت: این اقدام به مصلحت شورش در سوریه نیست و تمامی اعضای شورای مجاهدین نسبت به این امر اتفاق نظر دارند. با رد پیشنهاد بغدادی از طرف جولانی، نهایتاً بغدادی به همراه یاران خود به سوریه وارد شد و پس از سه هفته طی بیانیه‌ای، انحلال جبهه النصره و تأسیس داعش را اعلام کرد که در پی این اقدام، نیمی از افراد جبهه النصره با بغدادی بیعت کردند. جولانی در واکنش به اقدام بغدادی با صدور بیانیه‌ای، بیعت خود با ایمن‌الظواهری و تشکیلات القاعده سوریه را رسماً اعلام کرد (فرمانیان و ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۰). در ادامه بحران در سوریه، حکومت بشار اسد نیز مانند سایر حاکمان عربی دست به سرکوب مخالفان سیاسی زد. در پی این اقدام حکومت سوریه، آمریکا و کشورهای غربی تلاش کردند که با سوریه همچون لیبی رفتار کرده و همان روند قطعنامه‌سازی شورای امنیت را که در مورد لیبی اجرا کرده بودند علیه سوریه نیز به کار گیرند. این کشورها در ادامه با حمایت از گروه‌های مخالف، سبب ایجاد خلأ سیاسی و امنیتی در بخش بزرگی از سوریه شدند که از کنترل دولت اسد خارج شده بود. همین اقدامات، سبب‌ساز ایجاد و گسترش گروه‌های افراطی در سوریه همچون داعش و جبهه النصره شد (آذین و سیف‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۳).

دستیابی به تسلیحات، مهمات و تجهیزات پادگان‌های نظامی در عراق و سوریه و همچنین تسلط بر منابع مهم نفتی در این دو کشور، در کنار قلمروی وسیع جغرافیایی که در اختیار دارد، داعش را در موقعیتی کم‌نظیر میان تمام بازیگران تروریستی در سراسر جهان قرار داده است. طبق گزارش اندیشکده رند در آمریکا، داعش در اواسط سال ۲۰۱۶ میلادی، حدود ۶۰ درصد چاه‌های نفت سوریه ۵ درصد چاه‌های نفت عراق را در اختیار خود داشته و توانست مقادیر زیادی نفت به کشورهای نظیر ترکیه بفروشد (نویدی‌نیا و گودرزی، ۱۳۹۹: ۸). لذا بحران سوریه از چند منظر باعث افزایش توان داعش شد که مهم‌ترین ابعاد آن عبارت هستند از: بهره‌گیری داعش از جنگ سوریه برای تصرف بخشی از این کشور و تبدیل کردن شرق سوریه به پایگاهی برای توسعه توانمندی‌های خود، آموزش و سازماندهی نیروها در سوریه بدون دغدغه جدی، جذب نیروی انسانی گسترده از کشورهای مختلف در پرتو بحران سوریه، تشدید تنش‌های مذهبی در منطقه و ایجاد بستر برای گروه‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه، افزایش رقابت‌ها و اختلافات منطقه‌ای و جذب منابع مالی از برخی بازیگران منطقه‌ای در جهت تصاعد بحران در سوریه و عراق و مجاورت جغرافیایی عراق با سوریه و ترکیه که به انتقال نیروها، تسلیحات و منابع مالی بسیار کمک می‌کند (مبینی‌کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). در مجموع، بحران سوریه و دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در این بحران نقش برجسته‌ای در افزایش قدرت داعش داشته است و در صورت عدم وقوع این بحران، بعید بود که داعش بتواند با این گستردگی به احیاء و افزایش قدرت خود برسد و قلمروی سرزمینی وسیعی را تصاحب شود.

سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در نابودی داعش در سوریه و عراق

مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشوری، حفظ موجودیت و تأمین امنیت ملی آن کشور است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و ناگزیر از تأمین امنیت ملی و صیانت از مرزهای سرزمین خویش است. در واقع، حفظ امنیت ملی هر کشوری از منافع وجودی آن کشور است و در صورت تهدید آن، موجودیتش نیز تهدید می‌شود. امنیت ملی ایران، تنها به حفظ تمامیت ارضی کشور یا حاکمیت و استقلال آن محدود نمی‌شود بلکه در نگاه جمهوری اسلامی، امنیت ملی عبارت است از: «فقدان هرگونه تهدید ضدارزش‌های مکتب جمهوری اسلامی ایران و عدم احساس تهدید نسبت به آنها» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). به این ترتیب، ظهور داعش به عنوان گروهی تروریستی-تکفیری به راحتی می‌تواند در تقابل با آموزه‌های شیعی و در رأس آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد. ایران به عنوان یک کشور شیعی از اهمیت ویژه و قدرت نفوذ بالایی در منطقه برخوردار است. داعش همانند دیگر کشورهای عرب سنی بر این باور است که ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و داعش به کار گیرد. از این‌رو، حمایت ایران را از حکومت شیعی در عراق، حکومت اسد در سوریه، حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و اکثریت مردم بحرین و... را منفعی با فعالیت و اهداف توسعه خود در منطقه می‌بیند. بنابراین، جریان‌های تکفیری در صدد هستند در جهت عمل به ایدئولوژی واهی و خشن خود (مرتد دانستن شیعه و اعلام جهاد مسلحانه علیه آنان)، ضمن ناآرامی در مناطقی از ایران (به ویژه مناطق سنی‌نشین در مرزهای کشور) با از بین بردن حرکت ارتباطی هلال شیعی در منطقه، عمق استراتژیک ایران را در منطقه از بین ببرد (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۸).

نابودی تمامی مسلمانان و اقلیت‌های غیرمسلمان در خاورمیانه، هدفی است که رهبران داعش به دنبال آن هستند. آنچه که در مواضع داعش به نظر می‌آید این است که هدف اول شیعیان هستند که عمدتاً در ایران، عراق و بحرین اقامت دارند (Rashid, 2014: 25). بنابر درک داعش از اسلام «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و بنابراین کشتار شیعیان را بر اساس اعتقادشان، مشروع می‌دانند (Ghilan, ۲۰۱۴: ۱۳۲). مفتیان وهابی عربستان همواره فتوای موردنیاز گروه‌هایی چون داعش را در توجیه افکار و اقدامات و جنایاتشان صادر می‌کنند، به نحوی که حتی باراک اوباما در مصاحبه‌ای با شبکه «ان‌بی‌اس» مشکل پیش‌روی آمریکا را در خاورمیانه نه ایران، بلکه افراط‌گرایان سنی‌مذهب در منطقه دانست (Al-Alam, 2014: 11).

این در حالی است که بر مبنای شواهد میدانی، عربستان در صدد است با تقویت گروه‌های تروریستی ضدشیعه و ناراضی در منطقه، حضور و نفوذ معنوی ایران را تضعیف کند (Cafiero & Wagner, 2015: 1).

شاید بزرگ‌ترین عامل تشدیدکننده تهدید داعش برای ایران و عراق به نیت تهاجمی و توسعه‌طلبانه آنها باز می‌گردد. این گروه به علت تعارضات ایدئولوژیکی با ایران و عراق، بارها از تلاش خود برای تصرف کل سرزمین عراق و تهدید ایران خبر داده بود. در این چارچوب، بارها تلاش کرد تا مناطق مهم دیگری از عراق را تصرف کند و حملات متعددی به شهرهای مقدس عراق و به ویژه سامرا داشت. ابو محمد العدنانی، سخنگوی داعش در فایل صوتی خود خطاب به نوری المالکی گفته بود: «هدف اصلی ما نه سامرا و بغداد بلکه کربلا و نجف است» (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۵۷). شکستن محور مقاومت و ایجاد منطقه حائل سنی‌نشین در مرکز ژئوپلیتیکی شیعه به منظور فاصله انداختن میان جمهوری اسلامی به عنوان رأس هرم محور مقاومت با جنوب عراق، سوریه و لبنان از اهداف راهبردی داعش بود. از سویی، هدف قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های از تقویت داعش نیز ایجاد نیروی موازنه‌بخش در برابر جمهوری اسلامی و محور مقاومت و مهار نفوذ منطقه‌ای ایران بود (Kissinger, 2017: 1). شائل بن افرایم، تحلیل‌گر صهیونیست، معتقد است که داعش به‌طور کامل، مطابق با منافع راهبردی و ملی آمریکا عمل می‌کند و فرصت کنونی که به یمن فعالیت جریان تکفیری ایجاد شده، نقطه عطفی است که آمریکا می‌تواند از آن در راستای ایجاد نوعی موازنه قوا در منطقه استفاده کند و قدرت ایران را که با حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین و به قدرت رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت، شامل حزب‌الله و حماس، روندی رو به تزاید داشت، تعدیل کند (Ben-Ephraim, 2014: 9).

تلاش داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق با ناامن کردن مرزها و فراهم کردن زمینه قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی بزرگ را در پی داشته باشد. انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادر شده از طرف آنها قابل فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹۴ اتفاق افتاد که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰). همچنین داعش و گروه تروریستی ایران «سازمان مجاهدین خلق» به‌طور مشترک گروه تروریستی بلوچی جندالله را حمایت و پشتیبانی می‌کنند تا عملیات تروریستی مشترک علیه ایران انجام دهند (التیامی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۴). در این میان، حمله داعش به مجلس شورای اسلامی و مرقد امام خمینی (ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ را نیز باید در راستای ناامن‌سازی ایران توسط داعش و حامیان منطقه‌ای و فرماندهی آن دانست. در این رابطه، در فاصله چند روز بعد از این اقدام تروریستی، جمهوری اسلامی ایران برای انتقام این حملات در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ مواضع داعش در استان دیرالزور، واقع در شرق سوریه را هدف حمله موشکی قرار داد و اهداف و سیاست‌های این گروه تروریستی را در منطقه با شکست مواجه ساخت. لذا، ایران در برخی موارد برای حفظ امنیت منطقه‌ای و منافع خود از عملیات مستقیم نظامی در مرزهای غربی خود (عراق و سوریه) استفاده کرده است. در این راستا باید گفت با توجه به اینکه حضور و فعالیت گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به یک تهدید علیه امنیت ملی ایران تبدیل شدند، لذا جمهوری اسلامی ایران در صدد رفع تهدیدات امنیتی ناشی از وقوع بحران در دو حلقه امنیتی ضروری و غیرضروری خود یعنی عراق و سوریه برآمده است و با اتخاذ رویکردی تدافعی در جهت تأمین اهداف و منافع به خصوص منافع امنیتی خود و اعضای محور مقاومت گام بر می‌دارد. هم‌اکنون هزاران جنگجوی مورد حمایت ایران در حال پیشروی به سوی شرق سوریه و نزدیک شدن به مرزهای عراق هستند. هدف تهران ایجاد کریدوری است که ایران را از طریق عراق به سوریه و سپس مدیترانه متصل کند و برای اولین بار راه بلامنازعی را برای رساندن کمک به متحدان خود در سوریه و لبنان ایجاد کند. حمله گسترده موشکی ایران برای آزادسازی دیرالزور در شرق سوریه در این راستا قابل تحلیل است.

نقشه شماره یک: حمله موشکی ایران به مواضع داعش در سوریه



(باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۹ خرداد ۱۳۹۶)

نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در سوریه قاعده بازی را به سود دولت سوریه تغییر داده است. ایران علاوه بر حمایت دیپلماتیک و اقتصادی، در فراهم نمودن تسلیحات و اعزام مستشاران نظامی برای نظام سوریه نقش مهمی ایفا کرده است. جمهوری اسلامی ایران پس از درخواست نظام سوریه بسیاری از مستشاران سپاه و ارتش را برای مقابله و نبرد با گروه‌های تروریستی به این کشور اعزام کرده است. بنابراین، لازم است که ایران حتی با ابزار نظامی از محور مقاومت حمایت به عمل آورد و با این اقدام همچنان نفوذ منطقه‌ای خود را حفظ و به تقویت هرچه بیشتر محور مقاومت در منطقه بپردازد. از این رو، یکی از پیامدهای حضور داعش در عراق برای ایران گسترش ناامنی، افراط‌گرایی و تنش‌های مذهبی در عراق و سرایت آن به ایران است که تنش‌ها و تهدیداتی جدی را در داخل ایران به وجود می‌آورد. در حوزه تهدید اجتماعی توسط داعش به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها، بحث درگیری بین شیعه و سنی است. به نظر داعش «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و کشتار شیعیان را بر اساس اعتقاداتشان مشروع می‌دانند. بنابراین، این خطر وجود دارد که داعش بتواند با تبلیغات وسیع خود حساسیت اهل تسنن ساکن در ایران را علیه شیعیان برانگیزد. همچنین تجزیه عراق و در نتیجه تسلط داعش به عنوان تهدیدی به تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی سرزمینی آن محسوب می‌شود که در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد روندهای واگرایانه در کشور شود (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۹). ناامن کردن عراق می‌تواند با دو هدف بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد؛ ایران درگیر مسائل داخلی عراق شده و همزمان دغدغه خود را معطوف به دو جبهه یعنی سوریه و عراق نماید. در این صورت، عراق به عنوان حائلی بین ایران و سوریه می‌تواند به فرسایش توان اطلاعاتی و نظامی ایران در منطقه بیانجامد. با تشدید اقدامات نظامی در عراق، دامنه جنگ را به سمت مرزهای ایران کشانیده و در این جبهه نیز دغدغه ذهنی ایران را به حل تنش‌های احتمالی سیاسی و مذهبی در مناطق مرزی معطوف نماید. با این اوصاف، هرچند عراق جدید همانند گذشته یک تهدید نظامی نیست اما همچنان زمینه‌های بالقوه هدایت تنش و ناامنی به حوزه امنیت ملی ایران را دارا می‌باشد. مسائل امنیتی در شرایط جدید عراق تغییری جدی کرده است؛ چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیان‌بار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً احتمال تجزیه این کشور، از جمله چالش‌های جدید می‌باشند که از زاویه داخلی عراق وارد حوزه امنیت ملی ایران می‌شود (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

گروهک داعش در کشور عراق در راستای منافع قدرت‌های جهانی (به خصوص آمریکا) و منطقه‌ای نظیر رژیم صهیونیستی، عربستان و... سعی در تضعیف نفوذ ایران در این کشور دارد و در تلاش برای تغییر وضع موجود و جایگزینی قدرت سنی-عربی در این کشور برای تغییر موازنه قدرت در کشورهای همجوار ایران می‌باشد. از این‌رو، جابجایی قدرت در عراق می‌تواند قدرت ایدئولوژیک و فرهنگی ایران را کاهش دهد و الهام‌بخشی فرهنگی و اقتدار منطقه‌ای ایران را تضعیف نماید. کاهش قدرت شیعیان عراق سبب خواهد شد که روابط دو کشور رو به خصومت‌گرایی رود و مرزهای ایران با ناامنی مواجه شود. چون امکان دارد باعث حمایت گروه حاکم بر عراق از گروه‌های تجزیه‌طلب و اقلیت‌ها در ایران شود و همین امر، لزوم آمادگی رزمی و نظامی ایران در مناطق مرزی را افزایش می‌دهد. در عین حال، کاهش توانمندی ایدئولوژیکی و الهام‌بخشی سیاسی و فرهنگی ایران در منطقه، بعد از قدرت‌یابی داعش در این کشور، می‌تواند از اعتبار منطقه‌ای و قابلیت‌های تأثیرگذاری در مراودات سیاسی ایران بکاهد و هزینه‌های دیپلماتیک و سیاسی زیادی برای بازسازی چهره تخریب‌شده ایران توسط داعش ایجاد کند، زیرا این گروه تروریستی با استعانت از ابزارهای دیجیتالی و ارتباطی، سعی در تخریب چهره ایران در جامعه اسلامی دارد و خواستار نشان دادن چهره‌ای فرصت‌طلب و ضد اهل سنت در منطقه هستند و این سیاه‌نمایی‌های رسانه‌ای داعش می‌تواند در کشورهای منطقه نوعی احساس خطر به وجود آورد و با هراس بنیادین از سیاست‌های ایران، همیاری کشورهای عربی منطقه با عربستان، بحرین و... در فرآیند اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را افزایش دهد (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۶). از این‌رو، در صورت فرض قدرت‌یابی سیاسی داعش در عراق، منطقه‌گرایی ایران در عرصه سیاست خارجی تضعیف می‌شود و هم‌پیمان راهبردی ایران به واسطه مرزهای سرزمینی و فرهنگی به تهدیدی مهم برای ایران تبدیل خواهد شد زیرا گروه‌های تکفیری-تروریستی در راستای منافع رژیم صهیونیستی و غرب گام برمی‌دارند و به شدت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران مخالف هستند و این موضوع به تنگ شدن محیط راهبردی و الهام‌بخشی رهبری منطقه‌ای ایران منجر می‌شود. در عین حال، عمق راهبردی غرب و صهیونیست‌ها در منطقه به دلیل کاهش قدرت بین‌المللی محور مقاومت نیز افزایش می‌یابد و همین موضوع، منافع ملی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا موازنه قوا و قدرت منطقه‌ای به سمت و سوی قدرت‌های ارتجاعی منطقه و اتحاد استراتژیک آمریکا با رژیم صهیونیستی سوق می‌یابد که این جریان، مخالف کنشگری منطقه‌ای و نقش رهبری منطقه‌ای ایران است و در صورت امکان، خواستار تغییر نظام سیاسی در ایران هستند.

در خرداد ۱۳۹۳ که داعش به فاصله کمتر از یک ماه، ۵ استان در عراق را پشت‌سر گذاشت و به نزدیکی مرزهای ایران رسید؛ بلافاصله ارتش در مرز حاضر شد و تیپ‌های خود را در منطقه مستقر کرد. در آن زمان مشخص نبود که داعش دقیقاً تا کجا آمده است. پس از شناسایی محل دقیق داعش، بلافاصله با نظر ستاد کل نیروهای مسلح، خط قرمزی به فاصله ۴۰ کیلومتر خارج از ایران ترسیم شد و پس از آن نیز با هماهنگی نیروهای عراقی این منطقه ۴۰ کیلومتری جهت مقابله احتمالی با داعش تجهیز شد. بالگردهای هوانیروز و پرنده‌های نیروی هوایی نیز برای بمباران مواضع داعش در حالت آماده‌باش کامل قرار گرفتند. هوانیروز عملیات‌هایی برای شناسایی مواضع داعش انجام داد؛ اما نیروی هوایی تجمعاتی از نیروهای داعش که خارج از خط ۴۰ کیلومتر تشکیل شده بود را بمباران کرد. نفرات داوطلب ارتش حضور فعال و خوبی به صورت مستشاری در جبهه مقاومت دارند (شمسینی غیاثوند و شاویسی، ۱۳۹۷: ۶۲). همچنین در تابستان ۱۳۹۳ در حالی که نیروهای داعش به پیشروی‌های خود ادامه می‌دادند، توانستند دو شهر کوچک در استان دیاله به نام‌های «السعیدیه» و «جلولاء» در شرق عراق را به تصرف خود درآورند. این دو شهر در نزدیکی مرز عراق با ایران یعنی مرز خانقین (مرز خسروی در استان کرمانشاه) هستند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۷۸۹). لذا تهران نقش مهمی در حمایت و پشتیبانی از گروه‌های مردمی در عراق با ارائه کمک‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و بشردوستانه ایفا کرد. به عنوان مثال، تا اول ژوئیه ۲۰۱۴، تهران هفت فروند

هواپیمای Frogfoot Su-25 را مستقیماً به بغداد تحویل داد. ایران همچنین مشاوران نظامی، مهمات، اطلاعات استخباراتی و سیگنال‌های الکترونیکی، چندین موشک‌انداز و هواپیماهای بدون سرنشین را برای نبرد با داعش به عراق فرستاد. فرماندهان حزب‌الله ایرانی و لبنانی هم بر این سیستم‌ها و مراکز آموزشی نظارت داشتند (Knights, 2016: 51).

در واقع، حرکت داعش در عراق، بزرگ‌ترین خطر امنیتی ملی برای ایران در چنددهه اخیر است. داعش دارای چند منظور اصلی است: اولین هدف، شکستن استراتژی هلال شیعه و ایجاد یک منطقه و حتی کشور سنی‌نشین در مرکز این هلال شیعی و هدف دوم، فاصله انداختن بین ایران و جنوب عراق با سوریه و اسرائیل است. از همین زاویه، بزرگ‌ترین خطر فوری که کشور را تهدید می‌کند، نبودن این سپر و حائل بین ایران و این گروه در مرز غربی است. یکی از هدف‌های اصلی داعش نه رسیدن به دمشق یا حتی بغداد، بلکه رسیدن به مرز ایران و قطع ارتباط کردستان عراق با شیعیان جنوب است. بی‌نظمی‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از بحران عراق و سوریه می‌تواند معضلات و مشکلاتی همچون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و معضلات زیست‌محیطی، گسترش ناامنی و تروریسم و... را بر جای گذارد. می‌توان تصور کرد که این گروه‌ها تروریستی با این مرام بر عراق و شام تسلط یابد، وجود چنین تصویری نیز وحشتناک است. نزدیک شدن این گروه تروریستی به مرزهای ایران می‌تواند پیامدهای امنیتی برای کشور در بر داشته باشد. این موضوع به ویژه در صورت دستیابی این گروه به سلاح‌های میان‌برد ابعاد جدی‌تری خواهد یافت (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۷۸۹).

برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌ها که این را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر، دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در این راستا سپاه قدس ایران که فرماندهانش در جایگاه مستشاران نظامی به یاری ارتش و نیروهای مردمی دو کشور شتافته بودند، هدایت مبارزه با داعش را پشت خاکریز شهرهای تحت تسلط تروریست‌ها بر عهده گرفتند. از حدود یک سال پیش، با توسعه روابط سیاسی تهران و مسکو و به تبع آن موفقیت ایران در تعدیل رویکرد روسیه نسبت به تداوم حضور بشار اسد در دولت سوریه، مسکو نیز با جنگنده‌ها و موشک‌های دوربرد خود به جبهه مبارزه با تروریست‌های مستقر در خاک سوریه پیوست. پس از آن، تغییر روند مذاکرات بحران سوریه از مذاکرات فرمایشی در ژنو به مذاکرات اثرگذار در آستانه با مشارکت ایران، ترکیه و روسیه، فضا را برای تمرکز و تجمع نیروها برای مبارزه قدرتمندتر با داعش فراهم آورد. در تمام این مدت، نیروهای آمریکایی فضاسازی رسانه‌ای را دنبال می‌کردند که مدعی بود این کشور اگرچه جبهه مبارزه با تروریسم را در سوریه به دیگران سپرده است، اما در عراق فعال است. حال آنکه واقعیت چیزی جز بهره بردن تروریست‌ها از حمایت‌های اطلاعاتی نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و برخورداری از پشتوانه مالی و لجستیکی عربستان سعودی را عیان نمی‌کرد (شمسینی غیاثوند و شایوسی، ۱۳۹۷: ۶۰-۵۹).

طبق نظریه واقع‌گرایی تدافعی از آنجایی که خاورمیانه یک نظام آنارشیک منطقه‌ای است که همواره با مسئله معمای امنیتی روبه‌رو بوده است، دولت‌هایش به ناگزیر برای تأمین امنیت در تکاپوی افزایش قدرت هستند چرا که در نظام آنارشیک و خودیار، دولت‌ها تنها با توسل به قدرت خود می‌توانند نسبت به بقای خود خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها نیز با توسل به منابع درونی یا از طریق پیوستن به متحدان بیرونی تحقق می‌یابد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷۰). در این میان، حضور داعش در کشورهای عراق و سوریه، به ویژه پس از حمله این گروه تروریستی به ایزدی‌تبارهای عراق، باعث شد تا بیش از

چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا ائتلافی نمایشی را ضد داعش شکل دهند؛ این اقدام در حالی صورت گرفت که برخی از این کشورها به ویژه عربستان، ترکیه، آمریکا، امارات، قطر و انگلیس در تشکیل و تجهیز داعش نقشی بسیار تأثیرگذار ایفا کردند. اوباما با ارسال نامه‌ای محرمانه به رهبر معظم انقلاب اسلامی، خواستار همکاری ایران با ایالات متحده آمریکا در مبارزه با داعش شد. جمهوری اسلامی ایران هرگز در این ائتلاف‌های نمایشی حضور نیافت و در عوض از فرصت استفاده کرد و پیش از اقدام آمریکا و هم‌پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق، ضد گروه تروریستی داعش شتافت. اقدام‌های اثربخش ایران موجب شد تا تمام مسئولان عراقی و حتی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در این کشور، به تأثیر کمک‌های ایران در پیش‌گیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق توسط داعش اعتراف کرده و بارها از ایران تقدیر کنند. اقدام‌های همه‌جانبه ایران به حدی بود که تلاش آمریکا و حامیانش در مبارزه با داعش، به‌طور کامل در سایه قرار گرفت و رسانه‌های دولتی مختلف جهان، حتی رسانه‌های غربی بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند؛ این حضور مقتدرانه و اثرگذار، اقتدار نظامی و سیاسی ایران را در منطقه به همه جهانیان، کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهایی نظیر عربستان و ترکیه که به شدت با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا رقابت دارند، ثابت کرد (Giovanni, 2014: 7).

مبارزه با تروریست‌های تکفیری، موقعیت و اهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران را در ایجاد نظم و ثبات منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگر به اثبات رساند. تلاش‌های غیرقابل انکار این کشور به منظور مبارزه با تروریست‌های تکفیری و صرف هزینه‌های مادی و معنوی در جهت رسیدن به این هدف، سبب شد تا جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، با وجود روابطی تیره که میان ایران و ایالات متحده برقرار است، به آن اعتراف کند؛ او جمهوری اسلامی ایران را دارای نقش اساسی و تأثیرگذار در مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق دانست و در پاسخ کسی که نظر او را درباره نقش ایران در عراق پرسید این‌گونه گفت: «بینید، ما با ایران در یک چالش هستیم و سعی در حل آن داریم ولی باید این را به شما بگویم که حضور ایران در عراق و مبارزه با داعش و دیگر تروریست‌ها، بسیار مثبت و تأثیرگذار بوده است» (رضایی و موسوی‌جشنی، ۱۳۹۶: ۴۱۶). در واقع، اذعان به توانمندی فرماندهان و نظامیان ایران در رسانه‌های غربی، یکی از دستاوردهای مهم حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران بود. هفته‌نامه نیوزویک درباره نقش ایران در حل بحران عراق نوشت: «ایران علاوه بر ارسال تسلیحات نظامی به عراق، مغز متفکر جنگی خود، سردار قاسم سلیمانی را نیز به این کشور اعزام کرده است. هرچند به‌طور معمول، سلیمانی به صورت مخفیانه در صحنه‌های جنگ حضور داشت، اجازه انتشار تصاویر خود را از میدان‌های جنگ در آمرلی صادر کرد که به صورت مشخص، این پیام را برای غرب داشت: ایران در صحنه جنگ عراق به‌طور کامل حضور داشت». این نشریه، همچنین طرح روی جلد مجله را به تصویری از سردار سلیمانی با این متن اختصاص داد: «سلیمانی فردی که ابتدا با آمریکا می‌جنگید و اکنون در حال نابود کردن داعش است» (Giovanni, 2014: 9-10). آن چنانکه یوسی کوهن رئیس موساد، در مورد نقش سلیمانی با چاشنی طنزی گزنده گفته است: «با حفظ بشار اسد در قدرت، سلیمانی می‌تواند به راحتی با اتومبیل خود از تهران به لبنان تردد کرده و خود را به مرزهای رژیم صهیونیستی برساند (وزیریان، ۱۳۹۹: ۶۳).

در رابطه با تأثیر ایران در پایان دادن به حضور داعش در منطقه با اشاره به همکاری ایران و روسیه در به سرانجام رساندن این گروه تروریستی می‌توان گفت که ایران و روسیه دو کشوری بودند که بر خلاف حامیان داعش از ابتدا بر راه‌حل سیاسی بحران سوریه تأکید داشتند و با وجود این در نهایت اگرچه روند مذاکرات سیاسی آستانه را برای حل بحران پیش بردند اما در مسیر مقابله نظامی با داعش توانستند پیروز باشند. منصوری در گفت‌وگو با «ایران» موفقیت ائتلاف ایران، روسیه، عراق و سوریه را شکست مضاعف برای بازیگرانی نظیر آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای عربی منطقه توصیف و تصریح کرد: «نیروهای نظامی ایران با توجه به تجربیات ۸ سال دفاع مقدس در انواع جنگ‌ها و عملیات نظامی مستقیم و غیرمستقیم و

حفظ آمادگی بعد از جنگ تحمیلی عملاً در صحنه تحولات عراق و سوریه مزد این تجربه و آمادگی خود را گرفتند. ارزش این موفقیت آنجا است که توجه کنیم عملیات نظامی داعش و گروه‌های تکفیری شامل چهار نوع عملیات منظم، نامنظم، شورش و انتحاری بود و می‌توان مدعی شد تقریباً جنگ و درگیری در دنیا سابقه نداشته که یکی از طرفین آن به چنین تنوعی در عملیات نظامی دست زده باشد (شمسینی‌غیاثوند و شایوسی، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۰).

داعش در صورت غلبه بر سوریه و عراق، پیامدهای بدتری برای کل منطقه ایجاد می‌کرد. تحولات داعش دلیلی برای توجیه جدایی طلبی اقلیم کردستان عراق شده بود که عراق واحد قادر به تضمین امنیت کردهای خود نیست. این پیامد می‌توانست موج جدایی طلبی و تجزیه را در منطقه شعله‌ور کند. در واقع تهدید نابودی محور مقاومت به عنوان مرز سیاسی ایران و تلاش عناصر داعش و حامیان این گروه برای کشاندن محیط درگیری نظامی به جغرافیای سرزمینی ایران، سبب شد ایران تهدید داعش را فراتر از سایر گروه‌های تروریستی دانسته و برای نابودی آن اتحاد بین کشورهای متضرر از داعش را عمیق‌تر کند. کمک‌های مستشاری، نظامی و حتی ارسال نیرو به سوریه و عراق، تشکیل و حمایت از بسیج مردمی عراق و در نهایت ترغیب روسیه به هم‌سویی برای تقابل نظامی با داعش، باعث شد پایان عملیات بوکمال پایان حضور فیزیکی-نظامی داعش در عراق و سوریه باشد (سلطانی‌گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۶). اگرچه وضعیت عراق و سوریه فضای جغرافیایی لازم برای ظهور داعش به ویژه در شکل نظامی را فراهم کردند، اما اتحاد این دو کشور در حذف داعش را باید ناشی از نقش این دو کشور در محور مقاومت و پیامدهای داعش برای کل محور مقاومت و خاورمیانه دانست. محور غربی-عربی خواهان تداوم فعالیت داعش برای نابودی قدرت جبهه مقاومت و به ویژه حذف سوریه از طریق تغییر رژیم اسد از این محور بودند. از این‌رو، این جنگ جدید را با حمایت از گروه‌های تروریستی نیابتی کردند. ترکیه نیز تا ناامید شدن از راه‌حل غربی، همانند آمریکا خواهان حذف اسد و منع قدرتیابی مجدد علویان در سوریه بود (Kozak, 2017: 3). رژیم صهیونیستی نیز حامی گسترش فعالیت‌های داعش در لبنان و ایران بود. آموس یادلین، ژنرال بازنشسته صهیونیست در ارتباط با حمایت‌های این رژیم از داعش، معتقد بود ایران، حزب‌الله و تروریست‌های سوری دشمن این رژیم هستند، اما این رژیم باید آنها را در برابر همدیگر قرار داده تا امنیت خود را تامین کند. عراق و سوریه در وضعیت آشفته خود بدون حمایت و تلاش‌های ایران برای ائتلاف با روسیه جهت نابودی داعش، ظرفیت شکست این گروه را نداشتند. به این‌رو، ایران عامل ائتلاف محور مقاومت با روسیه شد تا فرآیند نابودی داعش سرعت بیشتری بگیرد. راهبرد ایران در فضای پس از داعش در ارتباط با سوریه، همچنان کاهش نقش محور غربی-عربی در تحولات آینده سوریه است. آمریکا با توجه به شکست داعش، به دنبال آن است که متحدین دمشق در سوریه همچنان درگیر بحران باشند. تحولات عفرین و حمله نظامی ترکیه، تلاش آمریکا برای ایجاد شکاف در میان حامیان اسد و سوریه است. از سوی دیگر، ایران همچنان فرآیند مذاکره صلح با حضور روسیه و ترکیه را که در دوران فعالیت داعش ایجاد شد، تداوم بخشیده است تا حل بحران این کشور به دست محور غربی-عربی که حامی تداوم فعالیت داعش بودند، میسر نشود (سلطانی‌گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۶).

به باور برخی از تحلیلگران، برای تحلیل آینده مناسبات در عراق و سوریه باید به ابعاد داخلی و خارجی مشکلات این دو کشور نگاه کرد. به عنوان مثال، کردها نسبت به ماده ۱۴۰ قانون اساسی در عراق، چگونگی برداشت از منابع انرژی و تعیین سرنوشت مناطق مورد منازعه مطالباتی دارند که اکنون زیر خاکستر بحران امنیتی برآمده از حضور داعش در نقاط مرزی نزدیک به کردها پنهان مانده است. بنابراین حیدرالعبادی در مسیری جدید و آزمونی نو برای به هم رساندن دیدگاه‌های متعارض گروه‌های عراقی قرار دارد. بنابراین، مشخص است که اگر گروه‌های عراقی به اجماع ملی و سیاسی بر سر تشکیل دولت و تقسیم پست‌های وزارتی نرسند، عراق همچنان کانون کشمکش‌های بی‌حاصل گروه‌ها خواهد شد؛ کشمکشی که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران توان عراق را در مواجهه با مشکلات امنیتی به تحلیل برده است (DePetrìs, 2014: 3). بر

این اساس، بی‌ثباتی‌های گسترده و لزوم پیشگیری از تهدیدات امنیتی آینده، دفاع فعال تهاجمی ایران در حلقه‌های امنیتی را ایجاب می‌کند. دفاع فعال ایران در سوریه و عراق با حضور ایفای نقش مستشاری فرماندهان نظامی در عرصه میدانی تحقق یافته است (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۷۹). لذا ایران در راستای پیشبرد رویکرد واقع‌گرایی تدافعی با هدف حفظ و ارتقا امنیت ملی خود به حمایت از رژیم سیاسی سوریه و عراق پرداخته است. در نهایت می‌توان گفت از آنجایی که ایران مهم‌ترین و موثرترین نقش را در نابودی داعش در سوریه و عراق داشته است، این نقش هم‌اینها و در دوران پساداعش بدون شک موجب تشدید کینه‌توزی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن به ویژه عربستان سعودی نسبت به ایران و متعاقباً طراحی راهبردهای جدید برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران که رهبر محور مقاومت در منطقه است، خواهد شد.

اثرات و پیامدهای ناشی از حضور داعش در سوریه و عراق

خسارت و درگیری مربوط به اقدامات و تهدیدات گروه تروریستی داعش در غرب آسیا به خصوص در سوریه و عراق باعث ایجاد خسارات و هزینه‌های گسترده در این کشورها شده است. در سوریه تاکنون بیش از ۳۴۰ هزار نفر کشته شده، صدها هزار نفر زخمی و بیش از ۱۱ میلیون نفر آواره گشته‌اند که بیش از ۵ میلیون نفر از آنها به کشورهای خارجی پناه برده‌اند (Al-jazeera, 2017: 9). در عراق نیز تروریسم تاکنون جان دهه هزار نفر را گرفته، دهه هزار زخمی بر جای گذاشته و بیش از ۵ میلیون نفر را آواره کرده است. قبل از وقوع منازعه داخلی در سوریه، جمعیت این کشور بیش از ۲۱ میلیون نفر بود و نرخ مهاجرت خالص ۱/۲- درصد از هر ۱۰۰۰ نفر بود. تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۰۶/۴ میلیارد دلار بود و سرانه تولید ناخالص داخلی برآورده شده ۴۸۰۰ دلار بود. در جولای ۲۰۱۶، جمعیت سوریه حدود ۱۸ میلیون نفر بود؛ نرخ مهاجرت خالص ۲/۱- درصد از هر ۱۰۰۰ نفر بود (World Bank, 2018: 9). اقتصاد سوریه حدود ۷۰ درصد از زمان شروع جنگ داخلی در این کشور افت کرد و تولید ناخالص داخلی این کشور ۵۰/۲۸ میلیارد دلار و سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ به میزان ۲۹۰۰ دلار برآورد شده است. به گفته جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا، این منازعه نسبت به آنچه که وی «بلائی انسانی آشکار بی‌سابقه از زمان جنگ جهانی دوم» می‌نامید، به اوج رسید. تا دسامبر ۲۰۱۴، تعداد ۴۵۰۰۰۰ نفر از مردم سوریه به خاطر تشدید جنگ داخلی و اقدامات غیرمستولانه ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل در حمایت از تروریست‌ها، کشته شدند و ۱۲ میلیون نفر نیز مجبور به ترک خانه‌هایشان شدند (Al-Jazeera, 2018: 12). میزان حملات بر علیه غیرنظامیان و نیز چالش‌های آغاز جنگ با گروه‌ها و جریانات غیردولتی و فراملی وضعیت را در سوریه پیچیده‌تر کرد و منازعه سوریه را به وجود آورد. همچنین طرف‌های منازعه، سوریه را تا حدودی سست و متزلزل کرد و این حقیقت را نمایان ساخت که نه دولت اسد و نه گروه‌های اپوزیسیون تکفیری به روشنی قادر نیستند طرف دیگر را شکست دهند. نیمی از مردم سوریه ترک مکان کرده و آواره شدند و بیش از نیمی از واحدهای مسکونی تخریب شدند و شهروندان سوری را بدون مسکن و سرپناه و آسیب‌پذیر ساختند (Guidero & Hallward, 2018: 8). می‌توان گفت که اقتصاد سوریه در حال نابودی است. در کمتر از یک سال، لیر سوریه بیش از ۷۰ درصد از ارزش خود در برابر دلار آمریکا را از دست داد. در حالی که طبق برنامه جهانی غذا، قیمت مواد اولیه اساسی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. مکالمات انجام شده بر روی برنامه‌های پیام‌رسانی و تلفنی با ساکنان ۱۴ استان سوریه، نشانگر گرسنگی بسیاری از مردم این کشور است. مردم محلی سوریه، دیدن شماری گدایان در خیابان، تن‌فروشی و افرادی که به دنبال تکه‌های مواد غذایی در زباله‌ها غر می‌زنند، را توصیف می‌کنند. جمعیت به‌طور فزاینده‌ای برای زنده ماندن به نان، ارزان‌ترین منبع کالری اعتماد می‌کنند (محمدیان، ۱۴۰۰: ۶۱-۶۲).

سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۴ تخمین زد که بازسازی سوریه، عراق و غزه به مبلغی معادل ۷۵۰ میلیارد دلار نیاز دارد. سخنگوی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اعلام کرد که جنگ سوریه، امکانات مسکونی، آموزشی و صنعتی را در این کشور با مشکلاتی جدی مواجه کرده است؛ در عراق نیز طی درگیری‌های صورت گرفته با داعش، صدها ساختمان در شمال و شرق این کشور به طور جدی آسیب دیده‌اند (رضایی و موسوی جشنی، ۱۳۹۶: ۱۶۲-۱۶۱). در طی وقوع جنگ در سوریه و عراق، تعداد بسیار زیادی از کودکان آواره به مدرسه دسترسی ندارند. بر اساس ارزیابی بانک جهانی، در سال ۲۰۱۶ تعداد ۱۳ میلیون کودک سوری، عراقی، لیبیایی و یمنی از آموزش برخوردار نیستند. در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۴ بیش از نیمی (۵۰/۸ درصد) از کودکان در سن تحصیل در سوریه از مدرسه باز مانده‌اند (شاپوری، ۱۳۹۶: ۱۳۴). همچنین داعش در عراق، تمایل خود را برای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی اعلام کرده است و تاکنون چندین و چند عدد از امکانات انرژی از جمله بزرگ‌ترین پالایشگاه نفتی عراق در بایجی را در بخش شمالی این کشور به تصرف خود درآورده است (Nordland & Al-Salhy, 2014: 21) که این خود می‌تواند به تشدید هرچه بیشتر اقدامات تهاجمی این گروه تروریستی در منطقه کمک نماید.

نتیجه

طی دهه‌های اخیر، خاورمیانه کانون بحران‌های گوناگون بوده که جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. در این میان، یکی از پدیده‌های جدید در عرصه بین‌الملل، بنیادگرایی اسلامی است که اکنون در خاورمیانه و بیشتر کشورهای اسلامی فعالیت دارد. تروریسم هرچند از ابتدای هزار سوم، به طور ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل اخیر تکفیری آن در خاورمیانه تحت عنوان داعش در پی خیزش‌های تازه در جهان عرب از لایه‌های پنهانی سر بر آورده که در واقع، در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشن تر ظاهر شده است. داعش همانند بیشتر گروه‌های اسلام‌گرای جهادی، نشئت گرفته از قرائتی متحجرانه و سطحی از اسلام است. ترکیبی از ناراضی‌های قومی-مذهبی، تبعیض‌های اقتصادی و انسداد سیاسی در کشورهای غرب آسیا و همچنین دخالت بازیگران خارجی برای حفظ موقعیت و جایگاه خود در موازنه جدید قدرت در منطقه از سوی دیگر، زمینه را برای پیدایش و حضور گروه تکفیری داعش در این کشورها به خصوص عراق و سوریه فراهم آورد. داعش با بهره‌گیری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی، لجستیکی و نظامی برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه، توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. این مسائل باعث شد که دولت‌های شیعی در عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار بگیرند. قدرت گرفتن داعش در عراق و سوریه و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای از این کشورها، نه تنها عراق و سوریه را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی جدی روبه‌رو ساخته، بلکه تهدیدات و مخاطرات مهمی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. در این میان، حضور گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به عنوان دو حلقه امنیتی ضروری و غیرضروری نیز یک تهدید امنیتی، برای محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود، به گونه‌ای که می‌تواند ابعاد امنیتی و سرزمینی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا نیز باید گفت کنشگری داعش در عراق ضمن ایجاد پیامدهای امنیتی برای ایران، بهانه لازم را به قدرت‌های جهانی به خصوص ایالات متحده می‌دهد تا به خاورمیانه لشکرکشی نظامی کنند و به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، در کشورهای غیر هم‌سو با سیاست‌های منطقه‌ای خود مداخله نمایند و از این طریق با بحران‌آفرینی و ایجاد ناامنی در کشورهای غرب آسیا محیط منطقه را از تسلیحات نظامی آغشته نمایند. همچنین تصویرسازی‌های منفی داعش از شیعه و گفتمان جمهوری اسلامی ایران در اذهان و افکار عمومی منطقه باعث می‌شود تا بی‌اعتمادی نسبت به الگوی مردم‌سالاری و نظم شیعی در منطقه به وجود بیاید که این امر خود می‌تواند به ترویج نظم سلفی-وهابی در منطقه که در تقابل با اسلام ناب محمدی (ص) قرار دارد، کمک کند و به تضعیف

قدرت شیعی-اسلامی در منطقه منجر شود. با توجه به ابعاد بالای اثرگذاری بحران داعش، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل دچار تأثیر شد. متأثر از ظهور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در تلاش برآمد تا نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و در نظام بین‌الملل کنونی معرفی کند. اگرچه سیاست خارجی ایران بیشتر تحت تأثیر ایدئولوژی قرار دارد اما عملکرد آن با توجه به نیازهای سیاسی، امنیتی و منافع ملی کشور تحت تأثیر ملاحظات عمل‌گرایانه نیز قرار خواهد گرفت. سیاست خارجی زمانی عمل‌گرایانه خواهد بود که از ابزار ایدئولوژی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد روابطه دوستانه با دولت‌های ملی و گروه‌های سیاسی استفاده نمود. بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تدافعی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بحران در سوریه و عراق و در دوران پساداعش، با هدف افزایش منافع ملی، ابزار مفید و مؤثری برای تقویت گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان و علویان سوریه و حشدالشعبی در عراق و... خواهد بود. لذا جمهوری اسلامی ایران درصدد رفع تهدیدات امنیتی ناشی از وقوع بحران در دو کشور عراق و سوریه برآمده است و با اتخاذ رویکردی تدافعی در جهت تأمین سیاست‌ها و منافع منطقه‌ای به خصوص منافع امنیتی تهران و اعضای محور مقاومت در غرب آسیا گام برمی‌دارد. حملات تروریستی این گروه سلفی-تکفیری به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی(ره) در خرداد ۱۳۹۶ را باید در راستای ناامن‌سازی و تهدیدزایی داعش و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن برای ایران در منطقه دانست. لذا از آنجایی که داعش خطری برای تمامیت ارضی و امنیت بازیگران محور مقاومت به رهبری ایران به در منطقه قلمداد گشت، ایران در هم‌پیمانی با دولت‌های عراق و سوریه و نیز با کمک مؤثر حزب‌الله لبنان و روسیه درصدد ضربه زدن به داعش و نابود کردن آن در منطقه برآمد و ضربات جبران‌ناپذیری را به این گروه تروریستی در غرب آسیا وارد ساخت. هزینه‌ها و پیامدهای ناشی از عملکرد داعش در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا به خصوص عراق و سوریه، باعث بی‌ثباتی در روند توسعه این کشورها شده است و بر پیچیدگی هرچه بیشتر بحران سوریه و عراق در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و... افزوده است و دورنمای صلح و ثبات منطقه‌ای را خدشه‌دار کرده است. با توجه به جریان‌ات فوق در نهایت می‌توان گفت که ظهور داعش در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی ایران باعث شده است که ضمن انسجام و همسانی دیدگاه‌ها در داخل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی دو کشور، افزایش قدرت شیعیان، حفظ اماکن متبرکه در سوریه، حفظ حاکمیت سیاسی بشار اسد و حفظ محور مقاومت شکل بگیرد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدوند، سلمان و ایمان احمدوند (۱۳۹۴)، «بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) با مطالعه موردی: داعش»، مجله سیاست دفاعی، سال بیست‌وسوم، شماره ۹۰، ۱۷۴-۱۴۱.
- ۲- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر و حسنعلی احمدی‌فشارکی (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۴۸، ۱۴۱-۱۲۳.
- ۳- آذین، احمد و علی سیف‌زاده (۱۳۹۴)، «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ونهم، شماره ۴، ۵۰-۲۷.
- ۴- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، ۱۵۳-۱۱۳.
- ۵- بصیری، محمدعلی و الهه سالدورگر (۱۳۹۶)، «بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳، ۵۷۰-۵۵۳.

- ۶- جرج، واشنگتن بلاگ؛ وین مادسون و وبستر جی. تارپلی (۱۳۹۷)، داعش، خود ما (آمریکا) هستیم؛ حقایق تکان‌دهنده پشت‌پرده ارتش ترور، مترجم: رضا التیامی‌نیا، علی باقری دولت‌آبادی و علی محمدی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- ۷- جهان‌بین، فرزاد و فتح‌الله پرتو (۱۳۹۱)، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، ۱۴۳-۱۱۷.
- ۸- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و علیرضا حسین‌زاده (۱۳۹۷)، «شکندگی دولت و نابه‌سامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش»، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره سی‌وهشتم، ۶۷-۳۵.
- ۹- دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- ۱۰- ذوالفقاری، مهدی و ابوذر عمرانی (۱۳۹۶)، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، ۱۹۵-۱۶۹.
- ۱۱- رضایی، رضا و سید صدرالدین موسوی‌جشنی (۱۳۹۶)، «ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجودآمده برای ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۱، ۱۷۴-۱۴۹.
- ۱۲- سلطانی‌گیشینی، محمدجواد؛ سعید وثوقی و شهروز ابراهیمی (۱۳۹۶)، «دولت شکست‌خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۴۹، ۱۴۵-۱۱۷.
- ۱۳- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا و ایمان شریفی‌لمه (۱۳۹۵)، «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۸۷-۱۶۱.
- ۱۴- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۴)، «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۹۹-۲۲۷.
- ۱۵- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶)، «هزینه‌های اقتصادی تروریسم در غرب آسیا: بررسی تحلیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره سوم، ۱۴۲-۱۱۱.
- ۱۶- شمسینی‌غیاثوند، حسن و محمد شایوسی (۱۳۹۷)، «منافع ملی ایران و راهبرد نظامی ایران در قبال داعش»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۶۵-۴۹.
- ۱۷- طارمی، کامران (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، ۲۱۴-۱۷۲.
- ۱۸- فرمانیان، مهدی و محمد ابراهیم‌نژاد (۱۳۹۳)، داعش دولت اسلامی عراق و شام (تحلیل و بررسی تاریخ و افکار)، قم: موسسه دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- ۱۹- مبینی‌کشه، زهرا و هادی آجیلی (۱۳۹۳)، «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، فصلنامه علمی-تخصصی حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم، ۱۴۲-۱۱۹.
- ۲۰- محمدیان، مهدی؛ حجت مهکویی؛ سارا فلاحی و یوسف زین‌العابدین عموقین (۱۴۰۰)، «واکاوی تأثیر ظهور داعش بر وضعیت اقتصاد انرژی در سوریه و اسرائیل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۶۸-۳۱.
- ۲۱- مرادی‌کلارده، سجاد و مهدی هدایتی‌شهیدانی (۱۳۹۶)، «راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی‌ها و اهداف»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره سوم، ۱۹۲-۱۶۳.
- ۲۲- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، ۱۰۸۷-۱۰۶۷.
- ۲۳- نویدی‌نیا، فرزاد و مهناز گودرزی (۱۳۹۹)، «جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، ۲۶-۱.

۲۴- وزیران، امیرحسین (۱۳۹۹)، «نیروی مستشاری انقلاب اسلامی و تحول در سیاست منطقه‌ای ایران ۲۰۲۰-۲۰۰۳»، فصلنامه آفاق امنیت، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، ۵۵-۸۴.

۲۵- هراتی، محمدچواد و محمدچواد قربی (۱۳۹۶)، «تأثیر بازتولید داعش در کشور عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، ۱۴۷-۱۲۱.

منابع لاتین

- 1- Atwan, Abdel Bari (2014), "Will the US-Iran-Saudi Alliance Defeat ISIS? If so, to what Effect?" Retrieved 2017/9/3, Retrieved from: <https://www.middleeastmonitor.com/articles/middle-east/13622-will-the-us-iran-saudi-alliance-defeat-isis-if-so-to-what-effect>.
- 2- Ben-Ephraim, Shaiel (2014), "Why ISIS is Actually Good for U.S. Strategy in the Region," Available at: https://www.academia.edu/8144853/Why_ISIS_is_Actually_Good_for_U.S._Strategy_in_the_Region
- 3- Bouillon, Markus (2012), "Iraq's state-building enterprise: State fragility, state failure and a new social contract," *International Journal of Contemporary Iraqi Studies*, Vol. 6, No. 3, pp. 1-18
- 4- Cafiero, Giorgio and Daniel Wagner (2015), "A Saudi Arabia and Al-Qaeda United in Yemen", *Foreign Policy Journal*, Retrieved 2017/11/18, Available Online at: www.foreignpolicyjournal.com/2015/09/23
- 5- Cloud, David S. And Thom Shanker (2007), "Gaps in Training Iraqi Forces Worry Top U.S. Commanders", *New York Times*, 14, July.
- 6- Cordesman, Anthony H. (July 11, 2017), After ISIS: Creating Strategic Stability in Iraq, working paper Burke Chair in strategy, PP. 1-59
- 7- Cronin, Audrey Kurth (2015), "ISIS Is Not a Terrorist Group", *Foreign Affairs*, March and April, Retrieved 2017/12/18, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2015-02-16/isis-is-not-terrorist-group>.
- 8- DePetrìs, Daniel R. (September 10, 2014), "PM Haider al-Abadi: A New Era in Iraq?", *atlantic council*, Available at: <http://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/pm-haider-al-abadi-a-new-era-in-iraq>
- 9- Ghilan, Muhammed (2014), "The Consequences of Not Challenging the Islamic State", *Aljazeera*, retrieved 2017/12/8, Retrieved from: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2014/08/islamic-state>.
- 10- Giovanni, Janine Di (2014), "Nemesis: The Shadowy Iranian Training Shia Militias in Iraq", *newsweek*, Available at: <https://www.newsweek.com/2014/12/05/nemesis-shadowy-iranian-training-shia-militias-iraq-287610.html>
- 11- Guidero, Amanda and Maia Carter Hallward (2018), *Global Responses to Conflict and Crisis in Syria and Yemen*, Palgrave Pivot, pp. 1-118
- 12- Jervis, Robert (1978), "Cooperation under the Security Dilemma", *World Politics*, Vol. 30, No. 2, pp. 167-214
- 13- Kalin, Stephen (2017) "Basic infrastructure repair in Mosul will cost over \$1 billion: U.N. "Iraq oil report, July 5, 2017, Retrieved 2018/1/18, Available at: <https://www.iraqoilreport.com/daily-brief/basic-infrastructure-repair-mosul-will-cost-1-billion-u-n-23914/>
- 14- Kirshner, jonathan; (2010), "the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china", *European journal of international relations*, Vol.18, No.1, pp.53-75
- 15- Knights, Michael (2016 March, 10), 'The Future of Iraq's Armed Forces', *Al-Bayan Center for Planning and Studies*, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Thefuture.pdf>
- 16- Kozak, Christopher (2017), "Iran's Assad Regime", available at: <https://www.criticalthreats.org/wp-content/uploads/2017/03/Irans-Assad-Regime.pdf>.
- 17- Nordland, ROD and Suadad Al-Salhy (18 June, 2014), "Extremists Attack Iraq's Biggest Oil Refinery", *The New York Times*, Retrieved 2018/1/13, Retrieved from: http://www.nytimes.com/2014/06/19/world/middleeast/iraqi-oil-refinery-attacks-army-and-militants-clash.html?_action=Click&ContentCollection=Middle%20East&module=RelatedCoverage&Region=Marginalia&pgtype=article (visited:2, April/2015).
- 18- Rashid, Ahmed (2014), "ISIS: What the US Doesn't Understand", *The New York Review of Books*, retrieved 2018/3/12, Retrieved from, <http://www.nybooks.com/blogs/nyrblog/2014/dec/02/isiswhat>.
- 19- Rose, Gideon (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy", *World Politics*, Volume 51, Issue 1, pp. 36-57.

- 20- Taliaferro, Jeffrey W. (2001), "Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited", International Security, vol. 25. No. 3.

منابع اینترنتی

- 1- World Bank (2018), "The World Bank in Yemen", available at: <http://www.worldbank.org/en/country/yemen>
- 2- Al- Jazeera (April 14, 2018), "Syria's civil war explained from the beginning", Al Jazeera English, available at: <https://www.aljazeera.com/news/2016/05/syria-civil-warexplained-160505084119966.html>
- 3- Al-Alam (9 Sep, 2014), "Iran not Threat to Sunni Arabs, Mideast: Obama", Retrieved 2017/9/11, Available Online at: <http://en.alalam.ir/news/1630373>.
- 4- Al-jazeera (Mar 30, 2017), UN: Number of Syrian refugees passes five million, Retrieved 2017/12/19, <http://www.aljazeera.com/news/2017/03/number-syrian-refugees-passes-million-170330132040023.html>
- ۵- گزارش میدانی از حمله موشکی ایران به مواضع داعش در استان دیرالزور سوریه / کدام پایگاه‌های داعش در دیرالزور واقع شده است؟»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۹ خرداد ۱۳۹۶، آدرس اینترنتی: <https://www.yjc.news/fa/news/6134248>